

بیمه های اجتماعی و مؤسسات آن در ایران

طرح بورج و تأمین اجتماعی در دوره جنگ و پس از جنگ

اوایل جنگ دوم موضوع تأمین اجتماعی و بالا بردن سطح زندگی مردم و مبارزه با فقر نقل محافل اقتصادی دولت های اروپائی شده بود.

هر دو دسته متخصص رفاه اجتماعی را در صورت پیروزی ب مردم وعده میدادند و یکی از اصول چهار گانه منشور اتلانتیک که بامضای پرزیدنت روزولت و وینستون چرچیل (نخست وزیر بریتانیا) رسید آزادی از قید احتیاج بود، و بمنظور آزادی از قید نیازمندیهای مادی و فقر و گرسنگی برقراری درآمد برای همه بنحویکه بتوانند از کلیه مواهب و امکانات زندگی برخوردار شوند. در انگلستان در همان دوره جنگ نیز اقداماتی صورت گرفت و حتی وجود و ازدیاد آسیب دیدگان و معلولین جنگ دولت را در پیش برد نقشه های اجتماعی مصمم تر نمود و چنانکه قبلاً گذشت کمیته ای بریاست سرویلیام بورج تشکیل شد که گزارش خود را بپارلمان تقدیم کرد و در این طرح بلزوم ازدیاد قدرت خرید نیز تأکید شده بود.

نظریه کینز

و درست در همان هنگامیست که افکار عالم بزرگ قرن بیستم جان مینارد کینز اروپا و امریکا را تسخیر کرده بود.

کینز در کتب و رسالات و مقالات خود خطرات کمی در مد افراد و مزایای مزد کافی را بخوبی شرح داده است و دولت ها را به اعطای مزد زیاد و مناسب و لو آنکه در مقابل آن کاری کافی موجود نبوده و انجام نشده باشد تشویق مینمود.

کینز علت بحرانهای بزرگ اقتصادی را بیشتر معلول عدم انطباق و برابری مصرف کلی جامعه و سرمایه گذاری از یکطرف یا درآمد کلی جامعه از طرف دیگر! یعنی معتقد است که چون سرمایه داران و مردم عادی قسمتی از درآمد خود را بجهت ذخیره کرده و از جریان فعالیت و کار خارج میسازند و سرمایه گذاری و مصرف که مجموع آنها همان درآمد است نقصان پیدا میکند بحران اقتصادی و بالتیجه بیکاری و سایر آثار بحران ظاهر شده و هرروز قیمت ها با سرعت رو بترقی و قدرت خرید رو به تنزل است و باینجهت باید از تقلیل مزد کارگران جداً احتراز کرد و حتی در صورت تقلیل کارهای مولد آنان را در کارهای عمرانی مشغول کرده و مزدی بآنان پرداخت تا با در دست داشتن قدرت خرید کافی بخواج بازار معاملات کمک کرده و بحران را برطرف سازند.

بیمه‌های اجتماعی و مؤسسات آن در ایران

این عقاید بکلی برعکس عقاید بسیاری از علمای کلاسیک دیگر است که معتقد بودند ازدیاد مزدها باعث زیان سرمایه‌داران و شکست آنان در فعالیت شده و بالتیجه باعث تقویت خطر بحران میشود.

کینز همچنان خاطر نشان میکند که در کشور حتی المقدور باید همه مشغول کار و دارای مزد و درآمدی باشند و درست باید مراقبت کند که همیشه این کیفیت برقرار باشد و در صورتیکه آنرا بحال خود گذارد جامعه در خطر سقوط اقتصادی قرار خواهد گرفت و اینجا نیز عقیده او با علمای کلاسیک مغایر است.

زیرا آنان معتقدند که هر چند یکبار بحرانی در صنعت و اقتصاد ظاهر شده کالاها بی‌خریدار مانده و بیکاری بروز کرده و سپس خود مطابق قوانین طبیعی اقتصادی پس از چندی بحال اول برگشت و تعادل حاصل میکنند ولی کینز میگوید تعادلی که باز دوم حاصل میشود جامعه را در سطحی پائین‌تر از اول نگه میدارد و تعادل حقیقی نیست زیرا بسیاری از منابع اقتصادی جامعه بلا مصرف و بلا استفاده مانده و افراد گرفتار مشقت و سختی میشوند و دولت وظیفه دارد با این نوسانات مبارزه کند و تکنیک‌های آنرا نیز در نوشته‌های خود ادامه میدهد.

کینز میگوید نه تنها کلیه افراد بلکه کلیه منابع طبیعی و کلیه سرمایه‌ها باید با نقشه صحیح بکار افتد و با این بیانات عقیده و ترمشهور خود را راجع با اشتغال کامل بیان میکند.

در هر حال عقاید کینز و سایر علمای وقت و جریانهای اقتصادی و فعالیت‌های احزاب و سندیکاها و همچنین علاقه سیاستمداران بجلب افکار عمومی باعث شد که ایده رفاه همگانی صورتهای عملی بخود گیرد.

مثلاً در انگلستان در همان لحظاتی که پارلمان در زیر بمبهای مخرب و آتش هواپیماهای آلمانی حالت دفاع بخود گرفته و طرحهای جنگی را مطالعه مینمود قدمهای مؤثری نیز در راه تامین اجتماعی بر میداشت.

طرح بورپیچ

در گزارش بورپیچ سه عامل ناخوشی، پیری و بیکاری تشریح میشود و اظهار میگردد که مبارزه با خطرات این عوامل علاوه بر آنکه حداقل درآمد معینی را لازم دارد خود نیز باعث قطع یا تقلیل درآمد است و باید غرامتی در قبال آن با افراد پرداخت و بهترین راه آن اینست که این غرامات بطریق بیمه پرداخت شود.

علاوه بر اینها چون هر فرد و هر نوزاد جدید مخارج فوق‌العاده‌ای پیش می‌آورد برنامه‌ای برای اعطای کمک به نسبت فرزندان هر فرد در طرح ترتیب داده شد.

بیمه های اجتماعی و مؤسسات آن در ایران

در طرح تأیید شد که بهداشت ملی باید مورد توجه و اقدام قرار گیرد و وسائل درمان در اختیار همه باسانی قرار گیرد.

بمنظور ارائه طریق عملی برای کمکهای یاد شده در بالا احتیاجات اساسی افراد بحسب قیمت های سال ۱۹۳۷ و مقایسه آن با برآورد قیمت های پس از جنگ تقدیم شد و مقادیر و پورسانت‌هائی برای کمک تعیین گشت.

در طرح بورجیج ۱۹۶۵ سال مورد نظر قرار گرفته و باید تا آنسال میزان کمکها بمقدار پیش بینی شده رسیده باشد و جمع این برآورد ۸۵۸ میلیون لیره بوده است که باید از طرف دولت به بیمه شده گان و کارفرمایان و مقداری هم بعنوان درآمد های متفرقه تامین شده باشد و مقایسه آن با جمع پرداختی های سال ۱۹۳۷ که بالغ بر ۳۴۲ میلیون لیره بوده قابل ملاحظه است.

در سال ۱۹۴۴ این طرح ها بمرحله عمل وارد شد و در آخرین روزهای جنگ قانون پرداخت حق عائله مندی در ۹۴۵ بتصویب رسید. بموجب این قانون برای خانواده هائی که بیش از یک فرزند داشته باشند ۵ شلینگ در هفته برای هر فرزند پرداخت میشد.

اقدامات حزب کارگر

در سال ۱۹۴۵ اکثریت عظیم کرسی های مجلس عوام بریتانیا در دست حزب کارگر افتاد و دولت جدید که بریاست کلمنت اتلی تشکیل شد قدمهای بزرگی در راه تامین اجتماعی برداشت و بآنها صورت جدیدی داد و قوانین مهمی که در اینمورد تا سال ۱۹۴۸ بتصویب رسید عبارت بود از:

قانون بیمه ملی، قانون بیمه حوادث صنعتی، قانون تعاون ملی و بهداشت عمومی. در قانون بیمه ملی ترتیب پرداخت بیمه از طرف صاحبان کار و کسانیکه از بیمه استفاده میکنند داده شده در این قانون راجع به بیمه بیکاری و بیمه پیری پیش بینی هائی شده است و قانون تعاون برای کمک بکسانیکه از قانون بیمه ملی استفاده نکرده اند و همچنین معلولین و اشخاصیکه احتیاج بحمايت دارند وضع شد دولت بحفاظت کار که مجدداً در ۱۹۵۱ زمام امور را بدست گرفت اجرای این قوانین را ادامه داد و رفاه اجتماعی را برنامه خود معرفی کرد اتلی در سال ۱۹۴۸ هنگامیکه قوانین اجتماعی آخرین مراحل خود را سپیمود گفت فصل نوین و پرافتخاری در تاریخ بریتانیا آغاز میشود.

ضربه هائی بریشه فقر نواخته میشود و برای نخستین بار زندگی در سطحی قرار میگیرد که در آن شاهد سقوط کسی نباشیم.

رؤیای ما در باره عدالت اجتماعی بصورت قوانین اجتماعی حالت تحقق بخود گرفته و پیشرفت میکند.»

سازمان بین المللی

ماده ۲۲ اعلامیه حقوق بشر میگوید.

« هر کس بعنوان يك فرد جامعه دارای حقی از تأمین اجتماعی

بیمه های اجتماعی و مؤسسات آن در ایران

است و میتواند آنرا در مورد خود تحقق دهد و این حق خود را بر اثر مجاهدات ملی هر کشور و همکاریهای بین‌المللی بمقتضای سازمان ازمنابع کشور خود بتناسب یا حقوق مالی و فرهنگی کشور خویش بدست آورد .
و ماده ۲۳ نیز حقوق اجتماعی افراد را تأکید میکند .

یکی از سازمانهای اختصاصی فرعی و اختصاصی سازمان ملل متحد سازمان بین‌المللی کار است « I.L.O » این سازمان مجاهدت زیادی نموده که در کلیه کشورها تامین اجتماعی توسعه پیدا کند و تعلیمات کافی بآنها داده است . دفتر بین‌المللی کار « B.I.T » که بمنزله استنادی همراه با سازمان بین‌المللی کار فعالیت میکند پس از جنگ اول جهانی ببعده فعالیت کرده و بامور کارگران جهانی نظارت میکند .

سازمان بین‌المللی کار در سال ۱۹۵۰ بررسی دقیقی از سیستم‌های تامین اجتماعی چهل و پنج کشور بعمل آورد و نتیجه تحقیقات خود را مبنی بر مقایسه سیستمها و قوانین این کشورها انتشار داد .

بخش سوم

بیمه های اجتماعی و موارد آن

توضیح در باره : رفاه اجتماعی ، تامین اجتماعی و بیمه اجتماعی .
برای پی بردن بهتر بقوانین و فنون اداری و اقتصادی بیمه‌های اجتماعی لازمست توضیحاتی راجع باصلاحات مهم این موضوع که در مقدمه نیز آنها را تعریف کرده ایم بدسیم :
تأمین اجتماعی و رفاه اجتماعی را از این طریق میتوان برقرار و اداره کرد .

- ۱ - بیمه‌های اجتماعی .
- ۲ - کمک‌های مستقیم عمومی .
- ۳ - عطا یا .

هدف این اقدامات آماده کردن همه افراد برای رفع نیازمندیهای مادی در هر موقع و هر محل است بشرطیکه بودجه و اعتبار آن با مشقت و صرف اوقات بیش از حد عادی بدست نیامده باشد .

رفاه اجتماعی مفهومی وسیع تر از تامین اجتماعی دارد و ایده آل اجتماعی بشری از ابتدای تمدن تا امروز محسوب شده است و کلیه مسلک‌های اجتماعی نیز معتقدند که با در دست داشتن قدرت کافی آنرا برای مردم بوجود خواهند آورد .

احزاب دموکرات و جمهوریخواه آمریکا ، حزب محافظه کار بریتانیا و احزاب دموکرات مسیحی آلمان و بریتانیا و احزاب دست راست فرانسه ادعا میکنند که با آزادی محدود در تجارت و سرمایه گذاری و نظارت دولت و شهرداریها و با وضع مالیاتهای تصاعدی میتوان رفاه اجتماعی را برقرار کرد .

مک میلان رهبر حزب محافظه کار بریتانیا و نخست وزیر آنکشور در آستانه

بیمه‌های اجتماعی و مؤسسات آن در ایران

انتخابات ۱۹۵۹ صریحاً اعلام کرد که رفاه اجتماعی ایده‌آل و برنامه حزب محافظه کار است.

احزاب سوسیالیست و کمونیست ادعاهای موافقان سرمایه داری را رد کرده و میگویند رفاه اجتماعی فقط با حاکمیت اجتماعی و حذف سرمایه داری خصوصی بدست میآید. این نکته را باید اضافه کرد که هیچیک از مسلک‌های سیاسی و اقتصادی جهان که احزاب نیرومند و تئوریسین‌های محقق از آن پیروی میکنند مبنی بر لیبرالیسم اقتصادی و آزادی کامل تجارت نیست و همه مداخله دولت را در امور اقتصادی و طرح و تنظیم برنامه‌های کوتاه و بلند مدت را لازم می‌شمرند.

از این بیان متوجه نکته دیگری میشویم و آن اینکه تامین حداقل زندگی کلیه افراد و رفع مضيقه مادی و اقتصادی طبقات محروم امروز فقط با همان دو سیستم یاد شده یعنی بیمه یا تقبل از طرف دولت و شهرداریها بعمل میآید و سیستم سوم یعنی کمک اغنیا و اقدامات خیریه امری غیر مطلوب و کهنه و مطرود است.

امروز فقط در مواردی نظیر کمک باسبب دیدگان و مجروحین حوادث ناگهانی از قبیل زلزله و سیل و آتش فشان و طوفان و امثال آن از کمکهای فردی استفاده میشود. بیمه بیشتر برای جبران خطر بیکاری، پیری، بیماری و کمکهای عمومی بیشتر برای مدد معاش فرزندان و کمک به نایبانیان و معلولین و آنها که برای همیشه بیک بیماری دچار هستند داده میشود.

چنانچه خواهد گذشت در ایران برای کمک اولاد و کمک ازدواج و سایر امثال آن نیز در مورد کارگران از سیستم بیمه استفاده میشود.

همانطور که اشاره شد رفاه اجتماعی اعم از تامین اجتماعی است و عبارت دیگر اگر تامین اجتماعی در کشوری منتهای کمال را بپیماید یک قسمت از رفاه اجتماعی حاصل شده و تامین اجتماعی نیز که عبارت از مصونیت افراد جامعه از خطرات اقتصادی است بوسیله دو سیستم بیمه‌های اجتماعی و یا کمکهای عمومی برقرار میشود.

پس میتوان بطور خلاصه گفت که رفاه اجتماعی هدف و تامین اجتماعی مسیر و بیمه‌های اجتماعی و کمکهای عمومی وسیله محسوب میشوند.

اشکالات مختلف بیمه‌های اجتماعی

علت آنکه تامین اجتماعی بصورت بیمه‌های اجتماعی بمرحله عمل درآمد و توسعه یافت این بود که ابتدا در قرن نوزدهم شرکت‌هایی از طرف کارگران با کمک و راهنمایی اتحادیه‌های کاری برای همکاری متقابل بوجود آمد و صندوق‌هایی باین منظور تأسیس شد. در این صندوقها کم سرمایه‌های اشخاص عادی صاحب سرمایه نیز وارد شد و در مقابل اخذ حق ماهیانه از هر فرد که طرف قرارداد با شرکت واقع میشد شرکت تعهد میکرد که خسارات ناشی از حوادث کار و بیماری و امثال آن را جبران کند.

بیمه‌های اجتماعی و مؤسسات آن در ایران

این همان حالتی بود که در حقوق و اقتصاد بآن عنوان «بیمه» اطلاق میشد و شرکت‌های بیمه بازرگانی نیز چنین تعهداتی را در مقابل هر کس که با آنان قرارداد میبست و حق بیمه را در مواعد معین پرداخت میکرد بعهده گرفتند.

اکنون نیز همین وضعیت در شرکت‌های بیمه برای هر کس که با آنان طرف قرارداد بشود باقی است چنانچه شرکت سهامی بیمه ایران نیز بیمه عمر را بعهده میگیرد و چنانکه قبلاً گذشت کم‌کم تمایل باین پیدا شد که این نوع بیمه‌ها برای کارگران بموجب قانون جاری شود و بامضای قرار داد فردی و کارفرمایان نیز در پرداخت حق بیمه بنفع کارگران شرکت داده شدند.

بطوریکه امروز اغلب بیش از دو سوم حق بیمه را کارفرما میپردازد و اکنون بیمه‌های اجتماعی کارگران و کارمندان دولت در اغلب کشورهای جهان اجباری و تحت نظارت دولت است.

در ایران بموجب ماده ۳ بتصویب لایحه قانونی بیمه‌های اجتماعی کارگران مصوب ۱۳۳۴ و ۱۳۳۹ بیمه کارگران بااستثنای مستخدمین منازل و دفاتر اجباری است.

تبصره ۱ - این ماده میگوید کلیه کارگرانیکه در مقابل دستمزد یا کارمزد برای یک یا چند نفر کارفرما کار میکنند مشمول مقررات این قانون میباشند و هر یک از کارفرمایان مکلفند کارگران خود را اعم از دائم، فصلی و موقت نزد سازمان بیمه نمایند تبصره ۲ ماده ۳ میگوید: « سازمان میتواند پیشه‌وران و صاحبان حرف مستقل را طبق آئین نامه مخصوص در تمام یا بعضی موارد مندرج در این قانون بیمه نماید ولی بیمه مستخدمین خانه‌ها و دفاتر کارگران که در کارخانه‌ها برای کارهای اتفاقی کار میکنند اختیاری و بموجب موافقت کارفرما است.

تبصره اخیر آشکارا یک نقص اصولی است و یک طبقه زحمتکش را از مزایای اجتماعی محروم کرده و این در درجه اول معلول وضع خدمتگزاران دفاتر و منازل است که روابط آنها با کارفرما طبق اصول صحیحی نیست و مزد حقیقی آنان نیز بعلت آنکه مزد نقدی جنسی را اکثراً توأم دریافت میکنند معلوم نیست.

در حالیکه عده آنها نیز قابل ملاحظه بوده و اگر مجموع آنها را که عبارت از پادوها و پیشخدمتهای دفترها و مطب‌ها رانندگان اتومبیل‌های شخصی، آشپزها، دربانان و پیشخدمتهای خانه‌ها میباشد در نظر بگیریم رقم قابل ملاحظه‌ای را تشکیل میدهد.

البته همانطور که گذشت تا تکلیف روابط قانونی آنان روشن نشده بیمه آنان امری مشکل بنظر میرسد و این ابهام بایست بر طرف شود چون این افراد با تمام تلاشی که در زندگی میکنند وضع استخدامی آنان همیشه در تزلزل بوده و از هیچگونه مزایای بیمه پیری استفاده نمیرند.

در ایران کارمندان دولت اعم از کشوری و لشگری و قضائی نیز در مورد بیمه

بیمه‌های اجتماعی و مؤسسات آن در ایران

بیماری و بازنشستگی مشمول بیمه اجباری هستند که شرح آن در موقع و محل خود داده خواهد شد.

دخالت دولت در اداره امور بیمه‌های اجتماعی

بین بیمه‌های اجتماعی و بیمه‌های بازرگانی از نظر هدف اختلاف بزرگی موجود است.

بیمه بازرگانی یک عمل و فعالیت اقتصادی و مال بمنظور جلب نفع و گرداندن کسب و تجارت است (و اصول قبول خطر و انتقال در تعیین نرخ) حق بیمه اصل قبول خطر و تغییرات قیمت‌ها و ارزش پول از نظر گرفته میشود.

در صورتیکه بیمه‌های اجتماعی اصولاً بمنظور استقرار تأمین اجتماعی است و هیچگونه قصد انتفاع در آن منظور نیست.

اگرچه از نظر وصول حق بیمه و عملیات حسابداری و صرفنظر از بعضی اختلافات هردو حقوق ماهیانه و یا در راس مواعد معینی را بحسب پورسانت‌های معین جمع آوری میکنند ولی چون مقصود دو تاست طبعاً اداره آنها نیز از جهات مختلف تابع هدف قرار میگیرد.

و چون در جامعه امروز دولت وظائف اجتماعی مهمی را بعهده دارد و مسئول رفاه ملت خوانده میشود مداخله آن در امر بیمه‌های اجتماعی ضروری است و اصولاً غیر از آن بمقام دیگری نمیتواند سازمان بیمه را تشکیل داده و آنرا کنترل کند.

و در صورت کسر بودجه در سازمان بیمه باید آنرا جبران نموده و متعادل کند در ایران در مورد کارمندان دولت بیمه‌های آنان بعهده شرکت سهامی بیمه است که مؤسسه ایست انتفاعی و بازرگانی.

ولی چون شرکت بیمه تحت نظر دولت بوده و صددرصد سهام آن متعلق بدولت است میتوان گفت که این بیمه دولتی است.

اما باید دانست که این عمل هم‌آهنگی را در شرکت بیمه از بین برده و اصولاً یک سازمان بازرگانی ولو که متعلق بدولت باشد نمیتواند یک هدف اجتماعی را همراه با مقاصد انتفاعی تعقیب کند و باین جهت تغییر این وضع مورد نظر بوده و اولیای شرکت نیز بآن تمایل دارند و در قانون بیمه‌های اجتماعی مصوب سال ۱۳۳۴ کارگران نیز انتقال وظائف بیمه کارمندان از شرکت بیمه بآن سازمان پیش بینی شده است تبصره ۲ ماده ۳ و اما در مورد کارگران این وظیفه بعهده سازمان بیمه‌های اجتماعی کارگران است.

گرچه این سازمان نیز بموجب ماده ۴ لایحه قانونی بیمه‌های اجتماعی مصوب سال ۳۹ دارای استقلال مالی و اداری بوده و از طرف وزیر کار بنام دولت در آن نظارت میشود و مطابق همین ماده امور مالی آن باید طبق اصول بازرگانی انجام گردد ولی چون از نتیجه عملیات مالی سودی عاید شخص معینی نشده و کسی سرمایه دار آن نیست و اصولاً

بیمه‌های اجتماعی و مؤسسات آن در ایران

بیان آن با ترانامه‌های مؤسسات انتفاعی تفاوت داشته و سرمایه‌ای برای آن گذاشته نشده نمیتوان آنرا مؤسسه‌ئی غیر از یک مؤسسه عمومی دانست.

بازنشستگی کارمندان دولت و ارتشی که بیمه پیری کارمندان است اصولاً بعهده دولت بوده و نمیتواند غیر از آن باشد در ایران برای کارمندان کشوری اداره آن بعهده وزارت دارائی و برای افسران و درجه داران بعهده وزارت جنگ است.

در اروپا این وظیفه بعهده سازمانهای دولتی است که بحسب کشورهای مختلف یا تحت نظر وزارت دارائی و یا مستقیماً تحت کنترل رئیس قوه مجریه است.

امروز سازمانهای بیمه‌های اجتماعی در آمریکا و اروپا مستقیماً در دست دولت و یادر دست شرکتهای تعاونی و اتحادیه‌ها و تحت کنترل دولت است و بعداً درباره آنها بحث خواهیم کرد.

پرداخت حق بیمه

حق بیمه از طرف سه مقام منفرداً یا مجتمعاً پرداخت میشود :

- ۱ - استفاده کننده از بیمه. کارگر یا کارمند و امثال آنها.
- ۲ - کارفرما.
- ۳ - دولت.

در تمام کشورهای جهان قسمت اعظم مهم حق بیمه بعهده کارفرما است و سازمان بیمه در اخذ حق بیمه با کارفرما طرف است و از او مطالبه میکند و کارفرما در موقع پرداخت میتواند سهم کارگر را در مورد بیمه از دستمزد او کسر کند و همین روش باعث میشود که گاهی کارفرما بخاطر مساعدت بکارگر و یا علل دیگر از استیفای این حق صرف نظر میکند چنانکه در ایران نیز این سابقه دیده شده است.

در ایران حق بیمه بمأخذ ۱۸ درصد دستمزد کارگر از کارفرما اخذ میشود که ۷۳ درصد آن بعهده خود کارفرما بوده و ۵ درصد از مزد کارگر کسر میگردد.

بماده ۲۱ لایحه قانونی بیمه‌های اجتماعی در مورد محاسبه پورسانتاژ مربوط بکارگر با توجه داشت که کارگران بدو دسته تقسیم میشوند.

روز مزد و کارمزد : مزد کارگران دسته اول را قانون بیمه‌های اجتماعی ایران «دستمزد» و نیز دسته دوم را «کارمزد» نامیده است و میگوید دستمزد مبلغی است در مقابل ساعات کار و کارمزد مبلغی است در مقابل واحد از محصول کار که بطور نقد یا جنس داده شود پنج درصد کارگران کارمزد بمأخذ مزد ماهانه حساب میشود مزد جنس نیز که بکارگران داده میشود در محاسبه ۵ درصد تقدیم میشود و هرگونه مزایای ثابت از قبیل فوق العاده اضافه کار و ایاب و ذهاب و امثال آن از قبیل کمک‌های مالی جزء مزد حقیقی محسوب شده و در محاسبه پنج درصد در نظر گرفته میشود.

در مورد کارگرانی که قسمتی از درآمد خود را بصورت انعام یا حق الزحمه از غیر کارفرمای خود دریافت میکنند سازمان بیمه‌های اجتماعی حق دارد درآمد تقریبی آنان را

بیمه‌های اجتماعی و مؤسسات آن در ایران

در نظر گرفته و حق بیمه آنرا محاسبه نماید. بموجب (ماده ۳۴) علاوه بر این پیش بینی قانونی هیئت مدیره ناچار شد این حکم را در مورد کلیه کارگران اصفافی که این کیفیت درباره آنان حکم روا است تعمیم دهد و قانون را باین نحو تفسیر کند.

وسازمان در مورد بعضی اصناف با موافقت کارگران توافق کرده است که در مقابل تعهداتی که کارفرمایان بعهده میگیرند نسبت حق بیمه را کمتر کند.

باید اضافه کرد که با وجود آنکه پورسانتاز حق بیمه در ایران خیلی زیاد نیست ولی بعلت تازگی موضوع گاهی سواجه با مقاومت کارفرمایان میشود و مخصوصاً هر دسته و صنف دراویل کار امتناع شدیدی از خود نشان میدهند ولی چون مقررات قانونی بسازمان قدرت عمل وسیعی داده و مطالبات آنرا در حکم اسناد لازم الاجرا تلقی نموده است. ماده ۳۰ سازمان اختیار داده است که برای وصول حق قانونی راساً اجرائیه صادر کند و سازمان از این حق خود استفاده کرده است.

معمولاً پس از چندی این دسته از کارفرمایان نیز آماده همکاری با سازمان میشوند. همچنین در مواردیکه کارفرما از تهیه و ارسال لیست کارگران خود و میزان حق بیمه خودداری کند سازمان حق دارد خود حق بیمه را تعیین کرده و آنرا از طریق قانون دریافت کند و برای هر روز تأخیر پرداخت ملزم بپرداخت خسارت معادل یکهزارم مبلغ و بعد از سه ماه برای مدت بعد از آن بدو برابر مبلغ میباشد.

و علاوه بر این هرماه تأخیر پس از ابلاغ کتبی سازمان بپرداخت دو برابردهی جریمه محکوم خواهد شد (مواد ۳۱ و ۸۸ و ۸۹).

این اختیار درابتدای کار بطور قطع لازم بنظر میرسد زیرا در کشوریکه بعضی از سرمایه داران از اجرای مالیات که وظیفه هر فرد تابع کشور بوده و سرمایه داران خارجی بخوبی با اهمیت آن واقفند حتی الامکان شانه خالی میکنند و مأمورین مالیات را نیز تطمیع و تحریک بسوء استفاده مینمایند چنین اختیار وسیعی برای متصدیان بیمه که هم برای آنها امری تازه بود، و هم برای مؤدیان ضروری است.

تشریفات تعقیب وصول نیز برپایه اصول اداری استواری است که راه سوء استفاده تا حد زیادی بسته است. بدیهی است نمیتوان انکار کرد که مأمورین نادرست در هراداره وظیفه آنقدر در کار خود ممارست پیدا کرده اند که گاهی از ابلاهی موانع قانونی مقاصد خودرا عملی می سازند و آنرا آنقدر ادامه میدهند تا حیثیت خود وعده دیگررا برسر این کار لکه دار کنند.

سیستم وصول در ایران دارای نقاط ضعیف و سیاسی است که وقتی خود سیستم درباره سازمان و مدیریت مربوطه بیمه بحث کنیم انتقادات لازم را بیان خواهیم کرد.

گرچه بعلت تازگی بیمه های اجتماعی هیچده درصد پورسانتاز رقم بزرگی بنظر میرسد و بهمین جهت قانونگذار ایران مقرر داشت که نسبت تا سال ۱۳۳۸ بتدریج بهیچده درصد باید برسد ولی باید دانست که این نسبت درسویس ۲۰٪ در بلژیک ۲۶٪ در بریتانیا ۳۶٪ و در فرانسه ۳۶٪ است. در فرانسه از ۳۶٪ حق بیمه ۲۹٪ آنرا کارفرما میپردازد

بیمه‌های اجتماعی و مؤسسات آن در ایران

و در شوروی چون کارفرما دولت است و مزد کارگر را نیز دولت میپردازد. تمام حق بیمه را بعهده کارفرما میگذارد.

کارمندان دولت در ایران میتوانند از بیمه بیماری استفاده کنند و حق آنان بـمـآخذ سه درصد از مآخذ حقوق و مزایای کارمند است یک درصد بعهده کارمند و دو درصد بعهده دولت است.

این بیمه نیز اجباری بوده و حق بیمه از حقوق کسر میشود و بحساب شرکت سهامی بیمه گذارده میشود.

استفاده کنندگان از بیمه‌های اجتماعی

دو دسته از بیمه‌های اجتماعی استفاده میکنند.

۱ - افرادی که بیمه بنام آنها گذارده میشود.

۲ - خانواده افراد بیمه شده.

دسته اول معمولاً شامل کارگران مزد بگیر شهری کشاورزان کارگران و پیشه‌وران مستقل افراد ناتوان بکار. صاحبان مشاغل آزاد و کارمندان دولت.

در ایران مجوز بیمه افراد عبارتست از کارگران بموجب قانون بیمه‌های اجتماعی کارمندان دولت در مورد بیمه بهداشت بموجب قرارداد منعقد بین وزارت دارائی و شرکت سهامی بیمه ایران و در مورد بیمه بازنشستگی بموجب قانون استخدام کشوری و کارمندان و کارگران و افزارمندان ارتش بموجب قانون ۱۳۳۴ افراد ناتوان بکار در صورتیکه سابقه کارگری و بیمه داشته باشند از قسمتی از مزایای بیمه استفاده میکنند.

کارمندان اداری و فنی سازمان بیمه‌های اجتماعی نیز بموجب آئین نامه ای که بتصویب شورای عالی سازمان رسیده نزد آن سازمان بیمه هستند و ۷٪ از حقوق آنان بابت بیمه و بازنشستگی کسر میگردد و میتوانند از مزایای لایحه قانونی بیمه‌های اجتماعی کارگران با استثنای چند مورد که در آئین نامه قید شده استفاده کنند.

چون بنظر صاحب نظران اقتصادی بیمه‌های اجتماعی کلیه افراد بهتر است تحت نظر و کنترل یک سازمان باشد قانونگذار ایران نیز متوجه این اصل بوده و بدولت توصیه میکند یا توافق سازمان بیمه‌های اجتماعی در موقع مناسب بیمه کارمندان دولت را باین سازمان واگذار نماید.

در ماده ۵ در باره پیشه‌وران و صاحبان حرفه مستقل بسازمان بیمه‌های اجتماعی اختیار داده شده که طبق آئین نامه مخصوص این عده را بیمه کند در تبصره ۱ ماده ۳.

بیمه سن اشخاص در اغلب کشورهای دیگر نیز برخلاف بیمه کارگران صورت قطعی و مشخص ندارد و در بعضی کشورها از جمله آمریکا این عده بیشتر خود را نزد شرکت‌های بیمه خصوصی بیمه کرده‌اند.

و در کشورهاییکه بیمه عمومی کلیه افراد صرفنظر از طبقات اعلام شده مانند انگلستان و شوروی بدیهی است که این اشخاص نیز مشمول بیمه‌های اجتماعی میگردند.

بیمه های اجتماعی و مؤسسات آن در ایران

بیمه مستخدمین خانه ها و دفاتر کار اشخاص و کارگرانی که در خانه ها برای کارهای اتفاقی کار میکنند بیمه آنها اختیاری است و بسته بتوافق کارگر و کارفرما است (تبصره ۱ ماده ۳) بیمه کارگران خارجی که در ایران کار میکنند نیز ممکن ولی مشروط معامله متقابل است.

تبصره ۴ ماده ۳ : بموجب تبصره ۳ ماده ۳ لایحه قانونی بیمه های اجتماعی کارگران کارمندان فنی و دفتری که بطور ثابت در مؤسسات مشمول قانون کار اشتغال دارند در صورتیکه مشمول مقررات قانون استخدام کشور نبوده و بموجب قانون دیگری بیمه نشده باشند از مزایای لایحه قانونی بهره مند خواهند شد.

این تبصره گاهی موجب کشمکش بین کارخانه ها و شعب سازمان شده است زیرا عده ای از کارمندان و کارشناسان مؤسسات خود حاضر نیستند مشمول بیمه کارگران باشند و اصولاً خود را بی نیاز از بیمه نشان میدهند.

شعب سازمان تاکنون در مقابل این نظر مقاومت نشان داده اند و اصرار در مشمولیت بیمه بآنان دارند.

در این مورد اگر بنص قانون توجه کنیم می بینیم که هیچیک از طرفین مجبور و ملزم نیستند زیرا تبصره ۳ ماده ۳ میگوید «... از مزایای لایحه قانونی بهره مند خواهند شد.»

در عین آنکه سازمان را مخیر نمیسازد اجبار را نیز نمیرساند. زیرا بلکه بعکس در صورتیکه خودشان بخواهند بتوانند استفاده کنند و در اینصورت سازمان مجبور و موظف با اجرای مقررات بیمه البته با رعایت و در نظر گرفتن ماده ۶ که سازمان اختیار طبقه بندی مشمولین و بیمه تدریجی را داده است میباشد.

در قانون سال ۳۹ این موضوع اشاره صریح نشده و در حقیقت اشکالات کار قانونگذار را بتأمل در تعیین تکلیف قطعی و ادا نموده است.

ماده ۶ سازمان را مأمور میکند که مقررات قانون را درباره کارگرانی که تا تاریخ تصویب آن قانون بیمه نشده اند بتدریج و ترتیب که وسائل لازم آنرا فراهم آورده اجرا کند و این میرساند که کلیه کارگران ایران بلافاصله پس از طی تشریفات تصویب و انتشار قانون مشمول مقررات بیمه نشده اند.

بلکه بتشخیص سازمان بنا بموقع و مقتضیات دسته های مختلف کارگران مرحله بمرحله بیمه خواهند شد.

تشریفات شروع کار بیمه یک کارگرو موقع استفاده از مزایای بیمه در موقع خود بیان خواهد شد.

دسته دوم که از مزایای بیمه بسبب ارتباط یا نسبت با فراد بیمه شده استفاده میکنند عبارینند از :

همسر - که از کلیه مزایا استفاده خواهد کرد. بموجب قانون بیمه های اجتماعی کارگران ایران زنان کارگران از مقررات لایحه استفاده میکنند و در صورتیکه کارگر خود زن

بیمه‌های اجتماعی و مؤسسات آن در ایران

باشد شوهر او فقط در صورتی میتواند از قانون استفاده کند که توانائی کار از او سلب شده و یا سن او از شصت سال متجاوز باشد و این شرایط در کلیه کشورهای که بیمه کارگران را اجرا کرده‌اند به همین شکل دیده میشود.

علاوه بر آن مزایائی در قانون وجود دارد که مخصوص زن است مانند کمک حاملگی و وضع حمل که کارگر زن و زن کارگر هر دو یکسان مشمول مزایای بیمه هستند. فرزندان - فرزند کارگر یا کارمند یا هر فرد دیگری که از بیمه استفاده میکند از مقررات عمومی و مقررات اختصاصی که مخصوص خود او است استفاده میکند.

این شرط تا موقعی که فرزند بتحصیل خود ادامه دهد برقرار خواهد بود و گرنه بموجب اغلب قوانین بیمه دنیا این حق بین سنین ۱۵ تا ۱۸ قطع خواهد شد و در ایران این حد تا پانزده سالگی است و از آن بپس فقط دو صورت برای استفاده باقی میماند:

اول آنکه منحصراً بتحصیل اشتغال داشته و مفهوم مخالف آن اینست که جوانانیکه روزهر کار کرده و شب تحصیل میکنند و خود مشمول بیمه نیستند در صورتیکه پدر یا مادر آنها بیمه باشد حق استفاده نخواهند داشت، بدیهی است باتصمیم تالی فاسد این قید طبعاً برداشته خواهد شد.

صورت دوم آنکه فرزند کارگر بیمه بیماری یا نقص عضو مبتلا داشته باشد.

پدر و یا مادر - همان شرایط فرزندان در مورد پدر و مادر نیز جاری است و شرط آن متجاوز بودن سن پدر یا مادر از شصت سال یا ابتلا به بیماری که او را از کار کردن مانع شده باشد و یا نقص عضو است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی